اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و پنجاه و نهم)

طهارت (بخش ششم)

خانه (قسمت ۲)

در قسمت قبل بیان شد که خانه یک سری قواعد و سقف و دیوار و درب و کف دارد که خواص هر کدام باید طبق آن چیزی باشد که خدا فرموده است.

اجزاء یک خانه (بیت) طبق قرآن				
قواعد	**جدار**	**سقف**	**باب**	**ارض**
پایه ها	**دیوار**	**سقف**	**دَرب**	**کف خانه**
قوانین و قواعد خانه	محافظ یک خانه	محافظ از بالا	طریقه ورود	ارتباط با زمین
مربوط به فرد	مربوط به اجتماع	مربوط به رسانه ها	تنها راه ورودی خانه باید باشد	نماینده سیستم رحمانی

اما اکنون در مورد یک خانه ، این مفاهیم رعایت نمیشود و یا حتی بعضی اجزای بالایی که ذکر شد، در خانه وجود ندارد. اکنون بیشتر خانه ها سقفشان سوراخ است و از طریق سقف (آنتنها و پارازیتها)، انواع فیلمها و کلیپهای نامناسب را وارد خانه میکنند و مفهوم پاکی و طهارت خانه را از بین می برند. خدا می فرماید که از درب خانه وارد آن شوید و این یعنی هر چیزی که وارد خانه ها میشود، باید از درب وارد شود و نه از سقف و یا دیوار. از درب وارد شدن به معنای آن است که طبق قواعد و قوانین آن خانه باید باشد. کسی و یا چیزی که از درب وارد خانه نشود، مهمان ناخوانده است. خانه باید دیوار داشته باشد، یعنی آن چیزی که در خانه برقرار است با آن چیزی که بیرون از خانه برقرار است، باید فرق داشته باشد. دیوار یک حریم است و کارش همین است.

خدای مهربان در مورد خانه های زنبور عسل صحبت می فرماید که طبق وحی خدا شکل می گیرند.

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿۶۸﴾

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد که از پاره ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند خانه هایی برای خود درست کن (۶۸)

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۶۹﴾

سپس از همه میوه ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است (۶۹)

زنبور طبق وحی خدا ، خانه اش را تشکیل میدهد و سپس طبق وحی، شهد عسل را تشکیل میدهد و به همین خاطر، در چنین عسلی شفا وجود دارد. بنابراین برای تهیه عسل شفا بخش، قبل از هر چیزی تشکیل یک خانه لازم است؛ خانه ای طبق قواعد و قوانین خدا؛ که در آن پاکی و صداقت برقرار است. چنین خانه ای باید سقف داشته باشد و دیوار داشته باشد تا محافظت شده باشد و گرنه کودکان سالمی بیرون نمیدهد. خانه های زنبور عسل هم قواعد و قوانین مخصوص خودش را دارد. مثلا زنبور خانه هایش را بصورت شش ضلعی کنار هم میسازد. این باعث میشود که بیشترین مقدار عسل در آن جای گیرد و کمترین موم در ساخت خانه استفاده شود. اگر خانه ها بصورت دایره ای یا پنج ضلعی و یا هفت ضلعی ساخته میشد، باعث اتلاف فضا و موم میشد و این مورد از طریق فرمولهای ریاضی هم ثابت شده است. عسل بعد از هزار سال هم سالم میماند زیرا میکروب در آن زنده نمی ماند و این از شگفتیهای آن است. زنبور قبل از قرار دادن عسل در خانه های شش ضلعی، آب احتمالی داخل عسل را بخار میکند و بعد در داخل خانه ها می گذارد. هدف از آوردن مثال از خانه سازی زنبور، این بود که ثابت شود، زنبورها هم در خانه های خود قواعد

و قوانین مخصوص خود را دارند و اگر این قوانین را رعایت نکنند، قادر به تهیه عسل ماندگار و شفابخش نخواهند بود. این روشها را زنبور طبق وحی یاد گرفته است و فرآیند وحی به زنبور بسیار پیچیده است و در زندگی ما انسانها هم بسیار موثر است. زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، روی آن گلی که باید بنشیند، می نشیند و عسل آن را کسی که باید شفا یابد، مصرف میکند. انسانها هم در درست کردن خانه های خود، باید طبق دستورات خدای رحمان عمل کنند. زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، ناخودآگاه گرده افشانی هم انجام میدهد و باعث بقای گلها و گیاهان زیادی میشود. اگر زنبور عسل نباشد، بعد از چند سال اثری از گلها و گیاهان زیبا نیست و همگی نابود میشوند. بر همین منوال اگر انسان دستورات خدای رحمان را در مورد پاکی خانه رعایت نکند، فرزند خوبی تربیت نخواهد شد و همچنین افراد خوبی تحویل جامعه داده نخواهند شد. خانه پاک در پاکی یک جامعه هم تاثیر گزار خواهد بود.

ایدئولوژیهای مختلف، باید از درب، با همدیگر مجادله و مباهله کنند تا به نتیجه برسند و از همدیگر یاد بگیرند و نه اینکه از سقف و یا دیوار به هم حمله کنند و مچ گیری کنند و توی سر هم بزنند. خدا اقوام و قبائل مختلف را به زبانها و نژادهای مختلف آفریده است تا با همدیگر آشنا شوند و از همدیگر یاد بگیرند و نه اینکه توی سر هم بزنند. تو سر هم زدن یعنی از سقف وارد شدن و از سقف و یا دیوار حمله کردن.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است (۱۳)

خدای قادر مهربان، ملتها و قبایل را گوناگون آفرید تا مردم فهم و شعور پیدا کنند و شناسایی و آشنایی متقابل پیدا کنند و سعی در فهم حرف همدیگر کنند (وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا)**. تنها در این حالت است که افراد نسبت به حرف حق جبهه گیری نمی کنند و حرف حالیشان میشود. بنی اسرائیل میخواستند وارد یک شهر شوند ولی نه از درب آن؛ بلکه میخواستند از روشهای غیر مسالمت آمیز و ناجوانمردانه وارد شوند. در حالی که گاهی برای قبولاندن حرف حق به دیگران، اصلا نیازی به حمله از پشت و یا حمله از سقف نیست و بلکه از درب بدون ترس وارد شوید و به کمک و یاری خدا، خود بخود همه چیز حل خواهد شد.**

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۶۱﴾

و [یاد کن] هنگامی را که بدیشان گفته شد در این شهر سکونت گزینید و از آن هر جا که خواستید بخورید و بگویید [خدایا] گناهان ما را فرو ریز و سجده کنان از دروازه [شهر] درآیید تا گناهان شما را بر شما ببخشاییم [و] به زودی بر [اجر] نیکوکاران بیفزاییم (۱۶۱)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

پس کسانی از آنان که ستم کردند سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند پس به سزای آنکه ستم می ورزیدند عذابی از آسمان بر آنان فرو فرستادیم (۱۶۲)

وقتی از درب وارد یک بحث شوید، دیگر برای بیان حرف حق، نیازی به ترس و پنهان کاری نیست. ما همگی آفریده شده ایم تا که حرف حق را بزنیم و واقعیتها را با زبان نرم و خوش به همدیگر بگوئیم. دیگر ترس در این حالت بیخودی است و اگر جان آدمی به خطر می افتد، همان بهتر که به خطر بیفتد و در راه خدا کشته شود.

خانه آنقدر مهم است بطوریکه زمانی که بنی اسرائیل در میان فرعونیان در مصر برده بودند، توسط خدای عالمیان دستور داده شدند که در وقت نماز خواندن، خانه هایشان را قبله قرار دهند. در محیط فرعونی و فاسد، خانه نقش کلیدی در حفظ انسجام و وحدت بین مومنان دارد. فرعون بنی اسرائیل را برده خود کرده بود، به این طریق که خاصیت مردانگی آنان را می کشت ولی در عوض خاصیت زنانگی را برجسته میکرد و به این طریق در خانواده ها آشوب به پا میکرد و زنان و مردان بنی اسرائیل را به جان هم می انداخت. یک ضرب المثلی هست که میگوید تفرقه بینداز و حکومت کن. خیلی از دیکتاتورها از این روش کثیف برای کنترل مردم استفاده میکنند. فرعون در خانواده های بنی اسرائیل، جنگ راه می انداخت؛ به این طریق که خاصیت زنانگی را بولد میکرد و خاصیت مردانگی را خفه؛ او به این طریق به مقصود خویش می رسید و

بدون کوچکترین هزینه ای، نیروی انسانی بنی اسرائیل را مشغول و کنترل میکرد. فرعون از آنجا که قدرت و زور داشت، قادر به اجرای چنین حیله ای بود. اکنون در زمانه ما هم این نوع کنترلها وجود دارند. آنتنهای خانه ها تفکراتی را وارد خانه ها میکند که همان کار را میکند و بین زنان و مردان یک خانواده افتراق ایجاد میکند و بین آنان فاصله می اندازد و این خودش یک نوع جادوست.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۶﴾

و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید [همانان] که بر شما عذاب سخت روا می داشتند و پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود (۶)

خدای حکیم برای خنثی نمودن این حقه کثیف، به بنی اسرائیل امر می فرماید که نماز را در خانه هایتان برگزار کنید و خانه هایتان را قبله قراردهید. قبله به معنای مرکز توجه هم هست. زیرا خانه کانون و مرکز اولیه تربیت خانواده است. آیه از ابعاد دیگر می فرماید که به کانون خانواده هایتان توجه کنید، تا از محیط پر مفسده فرعون نجات یابید و کانون به هم ریخته خانواده دوباره ریکاوری شود.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ(۸۷)

به موسی و برادرش وحی کردیم: «برای قومتان در سرزمین مصر خانه هایی در نظر بگیرید و خانه‌هایتان را مورد توجه قرار دهید و نماز بجا آورید و به مؤمنان مژده بده.» (۸۷)

بعضی از مترجمین قرآن، قبله را "جهت" معنا کرده اند. اما در این آیه، خانه های متعدد به معنای قبله های متعدد نیست و بلکه به معنای مورد توجه قرار دادن خانه ها هم هست. زیرا خانه ابتدایی ترین کانون قیام و خیزش است. خانواده که خراب شد، دیگر هیچ بخاری از کسی بلند نمیشود. خانه پاک در یک اجتماع فاسد و فرعونی، نعمت و پناهگاه معنوی است. برای ایجاد یک جامعه پاک ، باید از خانه و خانواده شروع کرد. مدرسه جای یادگیری الفبا و ریاضی و علوم است. پاکیزگی و طهارت را باید در خانه یاد گرفت. اما بعضی اوقات، جامعه آنقدر فاسد بود که حتی خانه های پیامبران هم در امان نبودند و اعضایی خائن در آن پیدا می شدند.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ﴿۱۰﴾

خدا برای کسانی که کفر ورزیده اند آن نوح و آن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید (۱۰)

در زمان پیامبر لوط، زمانی که ملائکه برای عذاب قوم لوط آمدند، گفتند که در شهر لوط، خانه ای مسلمان بجز خانه لوط پیدا نکردیم (فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ). **در این آیه خیلی واضح از بیت و خانه صحبت میکند.**

ذاريات آيه ٣٦:
فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾
و[لی] در آنجا جز یك خانه از مسلمانان بیشتر نیافتیم (۳۶)

خیلی واضح ثابت میشود که در جامعه کثیفی مثل جامعه قوم لوط، که همجنس گرا بودند، واحد شمارش پاکی ها و ناپاکی ها، خانه (بیت) بوده است. اینجا ببینید که بیت چه اهمیت فراوانی دارد در مقابل ناپاکی های اجتماع. ملائکه مامور عذاب قوم لوط در مورد آن جامعه، از فرد صحبت نمی کنند، بلکه از بیت و خانه صحبت میکنند. در واقعیت هم اینطوری است؛ فرضا اگر کسی در یک خانه کار کثیف انجام دهد، بقیه افراد خانه را هم تحت تاثیر قرار میدهد و آنان را هم درگیر میکند. به همین خاطر است که افراد داخل یک خانه نباید کارهای کثیف خود را در خانه آشکار کنند و یا از

آن حرفی بزنند. همچنین این نکته را برای ما هم ثابت میکند که در آن جامعه کثیف، فقط بوسیله یک بیت پاک میتوان از ناپاکی نجات یافت. خیلی از مشکلات و حرف و حدیثهای نامناسب را اصلا نباید در خانه مطرح کرد.

خدای دانای حکیم می فرماید که سست ترین خانه ها، خانه عنکبوت است. زیرا عنکبوت ماده بعد از تولد بچه هایش، شوهرش را می خورد و بعد بچه ها که بزرگ شوند، مادرشان را میخورند. این یعنی در یک بیت سست، افراد خانواده از هم سوء استفاده میکنند و قواعد ماکیاولی و فرعونی برقرار است. چرا قواعد یک خانه طوری باشد که بقای افراد منوط به فدا شدن و از بین رفتن دیگر اعضای خانواده باشد؟ اینها قواعد صحیحی نیستند. پدران بازنشسته میشوند، ولی هواهای افراد خانواده بیشتر میشود و فرد بازنشسته بیشتر از سابق تحت فشار کاری قرار می گیرد. در حالی که فردی که بازنشسته میشود، باید افراد خانواده هم مقداری از توقعات و خواسته ها و هواهای خود کم کنند ، تا فرد بازنشسته تحت فشار قرار نگیرد و از بین نرود. خانه های عنکبوتی زیاد شده است. یا اینکه همسر و فرزندان امکانات زیادی از پدرشان میخواهند و به او فشار می آورند، تا حدی که کار پدر خانواده به زندان میکشد و به این طریق یک خانه عنکبوتی درست میشود.

خانه های عنکبوتی، درست نکنید که در آن اسیر می شوید. جالب است که خانه عنکبوت، سقف ندارد، دیوار هم ندارد، ستونهایش هم بسیار سست هستند. حالا متوجه می شویم که چرا خانه عنکبوت، به عنوان سست ترین خانه ها (أَوْهَنَ الْبُيُوتِ**)**

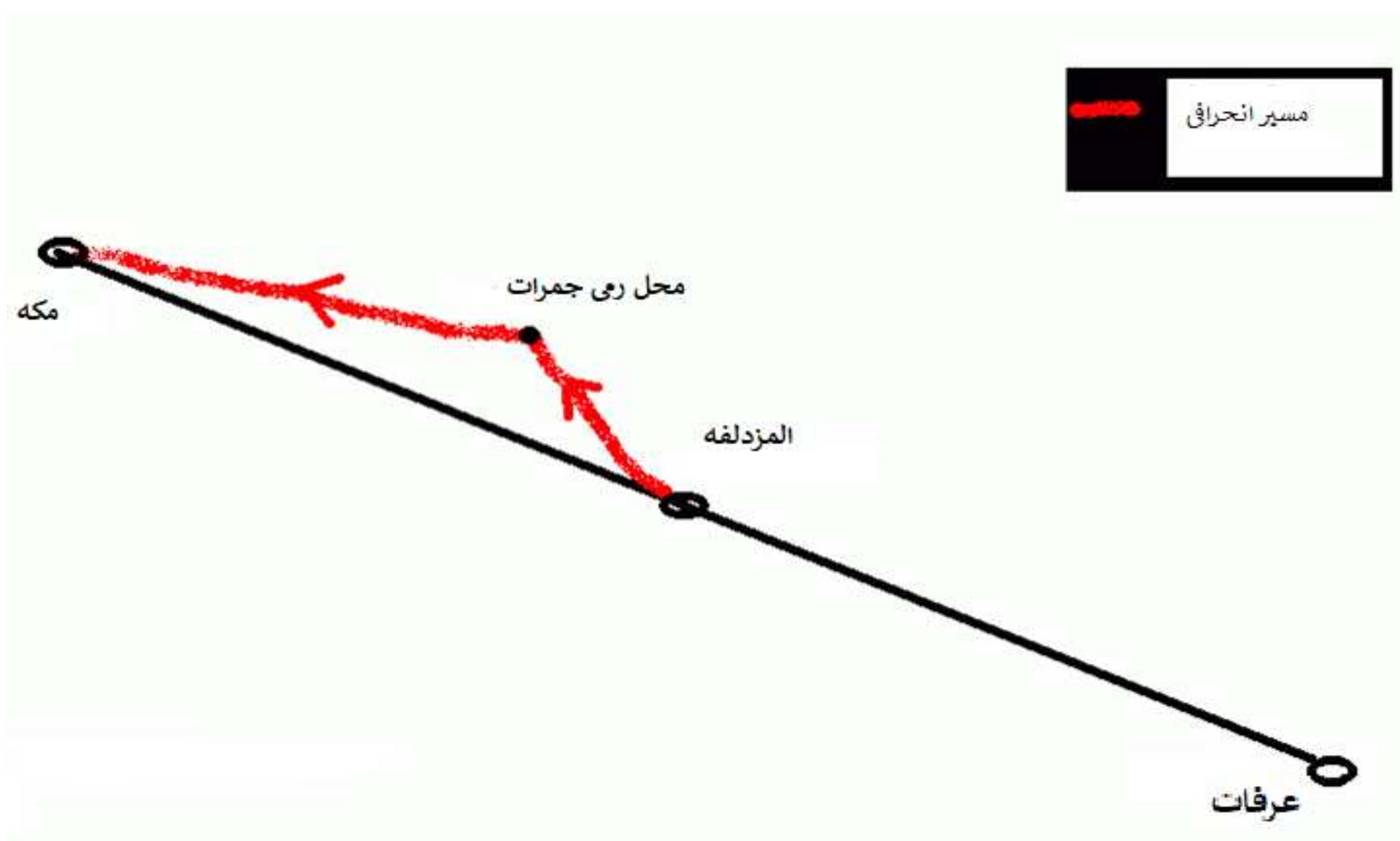
معرفی شده است. هر خانه ای که سقف و دیوار نداشته باشد و یا سقف و دیوارش سوارخ باشند و ستونها و قواعد مشخصی هم نداشته باشد، یعنی خانه عنکبوتی است.

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند همچون عنکبوت است که خانه ای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می دانستند سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است (۴۱)

آیه می فرماید که غیر از خدا هیچ اولیائی نگیرید که اگر بگیرید، خانه ای سست مثل خانه عنکبوت برای خود درست کرده اید. جالب است که این خانه سست و شکننده، در عین حال بسیاری را به دام می اندازد. کلا خانه های شیطانی هم اینطوری است که سست هستند ولی متاسفانه مردم نمی دانند که براحتی میتوان با اراده قوی از خانه های سست نجات یافت. خانه عنکبوتی یک تله است برای اسیر کردن افراد و به بردگی کشاندن آنان. کاباره ها و سایتهای مستهجن، بیتهایی هستند با قواعد سست و بدون دیوار و سقف. کاباره ها و خانه هایی که ظاهرا رسمی اند ولی در آنها فقط به شهوت اهمیت داده میشود و هیچگونه شباهتی به یک خانه پاک ندارند. در چنین خانه هایی، ازدواج معنا و مفهومی بجز شهوت ندارد وعاری از هرگونه معنا و مفهومی است.

شیطان بیت ندارد و نباید بیتی به نام شیطان درست کرد. بیتهای ساخت شیطان درست برخلاف بیتهای پاک هستند. متاسفانه اکنون در مراسم حج، بیتی به اسم شیطان درست شده است که ستون دارد، سقف و دیوار دارد. این بیت را به بهانه رمی جمرات درست کرده اند و روز به روز هم بزرگترش میکنند. پیامبر ابراهیم، کعبه را ساخت، اما به موازات آن، خانه ای هم برای شیطان نساخت. احمد نیشیتوبا ثابت کرد که اگر مسیر حج از عرفات تا مکه را با یک خط مستقیم به هم وصل کنیم، یک خط ۱۹ کیلومتری تشکیل میشود.



اما اگر بیت شیطان که در آن رمی جمرات انجام میشود، وارد این مسیر شود، خودبخود مسیر حج منحرف میشود و قاعده نوزده به هم میخورد. بطور عجیبی، شیطان مسیر انجام حج را به بهانه رمی جمرات منحرف کرده است و نصف مسیر را

به خودش اختصاص داده است. شیطان ملعون در هر جایی خیلی مکارانه، یک امضا از خودش بجا گذاشته است. اما خدای حکیم و دانا فکر همه جا را کرده است و نمی گذارد مناسک پیامبر ابراهیم، منحرف شود. خدا در عصر علم و ریاضیات، واقعیتها را مشخص کرده است. هر کسی که خواهان راه و مسیر خدا باشد، واقعیتها را می بیند.

اگر شما به حرف خدا گوش ندهید و خانه های سست برای خود بنیاد نهید، دو ضرر مهم می کنید؛ یکی اینکه محیط زندگی خود را نا امن کرده ای، دوما محیط اجتماع سستی برای بچه هایت رقم زده ای. زیرا اجتماع از مجموعه ای از خانه ها تشکیل شده است. با خانه سست، عملا اجتماع سختی را برای نسل آینده رقم خواهید زد. نسل آینده شامل بچه ها و نوه های خودت هم میشود.

وقتی یک بیت، فاسد باشد، خدا دستور میدهد که از آن بیت هجرت کنید. در اصل هجرت مربوط به بیت است. هجرت یعنی بیت در معرض فساد و ناایمن را رها کنید و جای دیگری یک بیت مبتنی بر یکتاپرستی بنا کنید (وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ)**. خدای مهربان برای هجرت از بیتی که در معرض فساد و ناایمن است، پاداش ویژه در نظر گرفته است.**

زنان باید در بیتی که مرد فراهم می آورد، سکنا گزینند و قواعد معنوی آن را رعایت کنند. خدای حکیم به زنان پیامبر دستور میدهد که در خانه های خود سکنا گزینند و طبق قواعد آن عمل کنند و قواعد خانه را به هم نریزند که امنیتشان به هم میخورد.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۳۲﴾

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید (۳۲)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾

و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما اهل خانه پیامبربزداید و شما را پاك و پاکیزه گرداند (۳۳)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿۳۴﴾

و آنچه را که از آیات خدا و [سخنان] حکمت[آمیز] در خانه های شما خوانده می شود یاد کنید در حقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است (۳۴)

زنان باید با روش و پوشش خاصی که خدا خودش در قرآن توضیح داده است، از بیت خارج شوند تا امنیت خود را از دست ندهند. قواعد داخل بیت و خارج بیت فرق میکند. زنان در خارج از بیت، در امان نیستند و خدا دستور به رعایت بعضی نکات فرموده است تا زنان در خارج از بیت محافظت شوند. در بعضی قبائل آفریقایی، مردان برای ازدواج ، دختر مورد علاقه خود را می دزدند! خدای حکیم می فرماید که

اگر خواهان زنی بودید، از درب وارد شوید، یعنی بدون اجازه خانواده زن اینکار را نکنید. دستورات قرآن خیلی زیباست.

جالب است که خدا در مورد زنان پیامبر امر می فرماید که در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)**. در ادامه امر می فرماید که نماز و زکات بپا دارید. خیلی جالب است که نماز و زکات را بعد از دستور به عدم تبرج آورده است. زیرا زنی که قواعد بیت را قبول نکند و در خارج ازخانه، تبرج و خودنمایی کند، اصلا نمیتواند نماز و زکات بجا آورد. اگر چه این دو دستور مستقیما خطاب به زنان پیامبر است، اما این دستور مربوط به تمام کسان دیگری هم است که میخواهند خانه و بیت پاکی داشته باشند. اینها لزومات اولیه یک خانه پاک هستند. تبرج و خودنمایی زنان در بیرون از خانه، اتوماتیک خود خانه را هم ناپاک میکند و غیر قابل تحمل میکند. این نکته اساسی و بنیادی برای تشکیل یک خانواده است. زنان باید دستورات آیه را رعایت کنند و گرنه خانه را با رفتار خود ناپاک میکنند و محیط زندگی خویش را نا امن میکنند.**

وقتی خدا می فرماید که وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ **یعنی در خانه های خود آرام و قرار بگیرید** (قَرْنَ از ریشه قرر است به معنای آرام و قرار یافتن)**. و برای خارج از بیت و خانه خود آنقدر بی قراری نکنید. مگر خارج از خانه چه چیزی برقرار است و چه خبر است؟ زنان اگر در خروج از خانه هایشان زیاده روی کنند، دچار چشم و هم چشمی، حسادت، رقابت های ناسالم و ... میشوند. اینها روان آنان را پر میکند و روان پر، آنان**

را دچار پرخوری روانی میکند و زشت میشوند. اینها آیات کتاب خدای حکیم است. خدا آفریننده است، او میداند که چطوری در مورد زنان صحبت میکند.

متاسفانه بعضی از زنان پیامبر، بعد از مرگ پیامبر محمد، احادیث و روایتهایی از آنان نقل شده است که خصوصی ترین روابط آنان با پیامبر را آشکار کرده است و این خیلی زشت است. زنان باید پوششهای خود را طبق حداقل اوامری که خدا در قرآن فرموده است، رعایت کنند. خدای مهربان در قرآن می فرماید که زنان در خارج از بیت، باید جیوب خود را بپوشانند (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ).

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعا از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل

نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید (۳۱)

در این آیه، خمر به معنای پوشاننده است. جیوب هم به معنای برجستگیهای بدن است. در عربی، جیب به گریبان روی لباس گفته میشود که معمولا در آن مدارک و پول و چیزهای دیگر میگذارند و همین مورد باعث میشود که جیب لباس نسبت به سایر قسمتهای لباس برجسته تر شود. خدای قادر متعال خیلی زیبا و مختصر در چند کلمه، حجاب را برای یک زن تعریف میکند و میگوید که زنان باید برجستگیهای بدن خود را بپوشانند (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ). **بعضی ها جیوب را به معنای فقط سینه می گیرند که اشتباه است. جیوب شامل تمام بر جستگیهای بدن یک زن اعم از سینه و پایین تنه میشود. معمولا مسلمانان سنتی، روسری را به عنوان نماد حجاب در نظر می گیرند که این دقیقا برعکس آن چیزی است که آیه می فرماید. اهمیت دادن به آن چیزی که خدا در آیه به آن اشاره نفرموده است، منجر به تحریف حجاب شده است. طوریکه بعضی ها روسری سر میکنند ولی دقیقا برعکس آیه قرآنی** وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ **عمل میکنند (به این تصویر توجه کنید که کسی که روسری سر نکرده، حجاب او منطبقتر بر آیه است). جیوب یک زن، معمولا سینه و پایین تنه است. طبق فرموده آیه، زنان باید با لباسشان (یا پارچه و هر پوششی که از آن استفاده میکنند) جیوب خود را بپوشانند، طوریکه خطوط بدن نمایان نشود و قطعا در این مورد باید از پارچه‌هایی استفاده شود که نه شفاف باشد و نه چسبان.**

زیرا در این دو حالت جیوب پوشانده نمیشود. به هر حال، پوشش یک امر واقعی است و نه یک ادا و اطوار و خودفریبی. اگر چه در آیه به روسری اشاره ای نشده است ولی اگر شما در جامعه ای زندگی میکنید که بصورت عرفی از روسری استفاده میشود، بهتر است که شما هم روسری استفاده کنید تا برجستگی رفتاری (جیوب رفتاری) برای شما بوجود نیاید و مورد طعن قرار نگیرید. زیرا هدف حجاب در قرآن، حفاظت از زن است در خارج از خانه و بیت. جیوب برای یک زن، فقط مربوط به بدن فیزیکی او نیست، بلکه مربوط به پندار و کردار و گفتار هم هست. زنان باید شرم و حیا را پیشه زندگی خویش کنند و رفتارها و گفتارهایی برجسته (جیوب) در میان نامحرمان بکار نبرند و از آن دوری کنند و البته فقط شرم و حیا میتواند این چنین رفتار و گفتاری را در آنان ایجاد کند. شرم و حیای زن باید واقعی باشد و ادابازی نباشد. شرم و حیا باید در سطح پندار هم باشد و نه فقط در سطح گفتار و رفتار. در صورتی که شرم و حیا در سطح پندار نباشد، ادابازی است. خدای مهربان معصومیت و سادگی آدمیان را دوست دارد. او فریب و کید و نیرنگ را دوست ندارد. شرم و حیا در سطح پندار، یک امر خیلی پسندیده است. در صورتی که حجاب وحیا در سطح پندار، کردار، گفتار نباشد؛ هر گونه پوشش جسمانی بی فایده است.

پوشاندن پندار برجسته، پوشاندن کردار برجسته ، پوشاندن گفتار برجسته

فقط شرم وحیا و تقوا میتواند تمام گفتارها و کردارهای برجسته یک زن را بپوشاند. پندار زنان با مردان کاملا متفاوت است. شما نباید انتظار داشته باشید که زنان مثل مردان فکر کنند و یا حتی مثل آنان گفتگو کنند. زنان دنیای خود را دارند و آنان گاهی بدون توجه به خطرات دنیای واقعی، کردارها و گفتارهایی را بر زبان میرانند که باعث سوء استفاده مردان از آنان میشود و این مورد بخاطر اختلاف پنداری است. حتی ممکن است که زنان در این زمینه هیچ نیت بدی هم نداشته باشند. ولی خدای حکیم دانا شرم و حیا را برای زن واجب کرده است تا زن در چنین تله های گفتاری کرداری نیفتد. مادر مریم به عنوان یک زن نمونه قرآنی، جمله زیبایی می گوید: وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى = و مذکر مثل مونث نیست

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿۳۶﴾

پس چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید داناتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می دهم (۳۶)

مادر مریم از دید زنانه، دنیا را می بیند. او میگوید مذکر مثل مونث نیست. او در این جمله، مونث را مبنای پندار خود قرار داده است. بنابراین دید زنان نسبت به مساله حجاب هم کاملا با مردان متفاوت است. زنانی که برجستگیهای بدن خود را نمی پوشانند، حتی شاید نیت بدی هم نداشته باشند. ولی خدای حکیم دانا از خطری

صحبت میکند که زنان را تهدید میکند. خطری که در ظاهر خود زنان متوجه نیستند. آنها در دنیای زنانه خود هستند. اما خدا میخواهد که با کنترل کردار و گفتار زنان، پندار آنان را هم کنترل کند و خانواده را محافظت کند. مردانی که بدون توجه و بدون درک دنیای زنانه، برچسبها و انگهای زشت به زنان میزنند، قبل از هر چیزی نشان از نیت و پندار و نگاه ناپاک خودشان دارد. زنانی که شاید در ظاهر بعضی برجستگیهای بدن خود را نپوشانند ولی پندارشان بد نیست. اما خدا در آیه می خواهد به زنان هشدار دهد که پندار پاک بدون گفتار و کردار کافی نیست. این فقط برای حالتی جوابگو است که زنان در یک کره دیگر مثل مریخ بدون مردان زندگی کنند. راز زیبایی زنان در این است:

پندار شرم و حیا، کردار شرم و حیا ، رفتار شرم و حیا ، گفتار شرم و حیا

بنابراین راز محافظت از زنان تا که زیبایی و جذابیت خود را از دست ندهند، طبق فرموده قرآن:

- **عدم کردار و گفتار برجسته در میان نامحرمان، یا به عبارت دیگر: پوشاندن کردارها و گفتارهای برجسته خود در میان نامحرمان. زیرا فقط پندار کافی نیست.**
- **پندار و کردار و گفتار مبتنی بر شرم و حیا**

- **پوشاندن جیوب و برجستگیهای اندام خود در میان نامحرمان**

زنان با رعایت نکردن موارد بالایی، بیشتر به خود ضربه میزنند و زیبایی های خدادادی خویش را از دست میدهند. هر زنی زیبایی های مخصوص و خدادادی مخصوص به خود را دارد و نیازی به ادابازی و تقلید نیست. این زیبایی ها فقط زمانی نمود پیدا میکنند که شرم وحیا را در سطح پندار، کردار، گفتار رعایت کنند.

زنانی که در خانه هایی که برای آنان فراهم شده است، آرام نمی گیرند، خدا این عمل را یک عمل جاهلی معرفی میکند. مشخص میشود که زنان خود از این خطرآگاه نیستند؛ به همین خاطر خدای حکیم آن را یک عمل جاهلیت (تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ) **معرفی میکند. منظور آیه این نیست که زنان از خانه بیرون نروند، بلکه این است که زنان در بیرون از خانه خود، برجستگیهای جسمی، گفتاری، کرداری خود را به نمایش نگذارند و خدا این عمل را یک عمل از سر نادانی و جهالت بحساب می آورد. زیرا زنان خود متوجه خطرات ناشی از آن نیستند. عمل جاهلیت یعنی اینکه فرد متوجه غلط بودن کار خود نیست و ظاهرا پندارش نیک است، اما کردار و گفتارش مشکل دارد. به هر حال، پندار کافی نیست و بلکه باید کردار و گفتار هم نیک باشد. زیرا مردان مریض، کردار و گفتار زن را می بینند. آنان پندار زنان را که توجه نمی کنند. به همین خاطر است که خدای حکیم به مومنان و مردان و زنان دستور می فرماید که چشمان خود را بپوشانید و هر چیزی را نگاه نکنید. یعنی از کردار و گفتار دیگران چشم پوشی کنید و این یک نوع تقوا بحساب می آید. جامعه بدون تقوا، از این مشکلات زیاد دارد.**

بعضی ها برای حل این مشکلات، به اجبارهای عجیب رو آورده اند که بی فایده است. در حالی که اگر اجبار جواب میداد، خدا خودش دستور به اجبار میداد.

در آیه ای دیگر خدای حکیم می فرماید که بعضی ها خانه های خود را با دستان خود خراب میکنند. اینها خودشان، سقف و دیوار خانه هایشان را خراب میکنند (يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ**).**

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾

اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد گمان نمیکردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود و[لی] خدا از آنجایی که تصور نمیکردند بر آنان درآمد و در دلهایشان بیم افکند [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه های خود را خراب میکردند پس ای دیده‌وران عبرت گیرید (۲)

خانه ای که ورودیهای آن را کنترل نمی کنند و هر چیزی را میشنوند و یا می بینند و خدا را ستایش و شکر نمی کنند و نماز بجا نمی آورند، شیاطین در چنین خانه ای به صورت دیو فرود می آیند. اجنه و شیاطین به بیت طاهر و پاک ، دسترسی ندارند.

گاهی امکاناتی اعم از فیلمها و آهنگها و گروههای مجازی در اختیار افراد خانواده قرار میدهی، که باعث گمراهی آنان میشود و آنان خود خطرات را احساس نمی کنند ولی با دست خودتان، خانه تان را خراب میکنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و نگهاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مامورند انجام می دهند (۶)

نوح از خدا برای تمام مومنانی که وارد بیت او شده اند، از خدای رحمان تقاضای بخشش میکند.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای و جز بر هلاکت ستمگران میفزای (۲۸)

اما پسر او، اهل آن خانه نبود. شاید در آن خانه بزرگ شده باشد؛ ولی قواعد و سقف و دیوارهای آن خانه را قبول نداشت و خدای حکیم عادل، پسر نوح را عمل غیر صالح می نامد.

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۴۶﴾

فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من مخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی (۴۶)

کسی اهل یک خانه بحساب میاید که قواعد و قوانین خانه را قبول داشته باشد و سقف و دیوار آن را قبول داشته باشد و در محافظت از آن بکوشد. کسی که انواع کلیپهای منحرف و زشت را به برادران و خواهران خود نشان میدهد و آنان را هم منحرف میکند، یعنی سقف و دیوار آن خانه را قبول ندارد و این فرد ناخوانده است و عملا اهل آن خانه بحساب نمی آید. به همین خاطر خدا به نوح می فرماید که ای نوح پسرت، اهل تو نیست و جزو اهل خانه تو به حساب نمی آید و عمل غیر صالح است. عبارت عربی عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ **برای پسر نوح استفاده میشود که به معنای کردار و گفتار شرّ است. بنابراین نتیجه گرفته میشود که اگر یکی از سه آیتم چرخه نیک (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک) در خانه رعایت نشود، افراد جزو خانه نیک قرار نمی گیرند. خانه نوح، قطعا براساس پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک بوده است. اما پسرش صالح نبوده است، یعنی کردار نیک، گفتار نیک نداشته است.**

پس خانه نیک و پسندیده و پاک یعنی:
برقراری پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر در محیط خانه

در بلایا و عذابها، فقط خانه های نیک مورد محافظت قرار می گیرند. در عذاب قوم لوط، فقط بیت لوط نجات یافت (بجز همسر لوط). در مورد عذاب قوم نوح، اهل خانه نوح نجات یافتند بجز پسر و همسرش. زیرا آنها قواعد و قوانین آن خانه را قبول نداشتند. اهمیت خانه از همینجا آشکار میشود. در عذابها و بلایا، ماهیت خانه و بیت مبنای نزول عذاب قرار می گیرد. از همینجا روشن میشود که خانه کانون و محل خیزش تمام جنبشهای یکتاپرستی بوده است. در میان قوم لوط، فقط اهل خانه لوط سالم ماندند. در میان قوم نوح، فقط کسانی که در خانه نوح رفت و آمد داشتند، سوار کشتی شدند. در میان بنی اسرائیل زمانی که زیر دست فرعون به بردگی گرفته شده بودند، قبله قرار دادن خانه هایشان و نماز در آن خانه ها، محل و کانون خیزش بنی اسرائیل شد. در یک جایی، اگر کانون خانواده ها به هم بریزد، دیگر مبحث ازدواج و تربیت کودکان و خیلی چیزهای دیگر به خطر می افتد و نابود میشود.